

مقدمه مؤلف

پیدایش جریان مذهبی - سیاسی خوارج از نکته‌های تأمل برانگیز تاریخ اسلام است. این گروه در آغاز پیدایش خود در ماجرای صفین و پس از جریان موسوم به «حکمیت»، با برداشتی سطحی از قرآن، حق حکمیت و داوری انسان‌ها در منازعات میان انسان‌های دیگر را انکار کرد و سپس حتی فرمانروایی و سلطه سیاسی انسان‌ها را بر انسان‌ها ناروا شمرد و آن را تنها متعلق به خداوند دانست. این گروه اگرچه به سبب اقدامات تندروانه حاصل از کافرشماری بیشتر مسلمانان در ماجرای «نهروان» قلع و قمع شد، اما همان‌گونه که امام علی (ع) پیش‌بینی کرده بود (نهج‌البلاغه، خطبه 60)، دنباله‌های آنان تا قرن‌ها در صحنه سیاسی جهان اسلام ماندند و به‌خصوص در مبارزه با دستگاه خلافت اموی نقش مهمی ایفا کردند.

از جمله دلایل این ماندگاری، تعدیلی بود که نسل‌های بعدی خوارج یعنی وارثان «محکمه اولی» در دیدگاه‌های خود به وجود آوردند. هر چند نویسندگان کتاب‌های ملل و نحل، خوارج را در انتساب به افراد و سرکردگان مختلف به فرقه‌های متعددی تقسیم کرده‌اند، اما جوهر اندیشه و باور همه آنها مشترک بوده است؛ عقایدی نظیر توجه به زهد، انکار عثمان خلیفه سوم، خرده‌گیری بر امام علی (ع) به خاطر تن دادن به حکمیت، ظلم ستیزی، اعتقاد به عدم انحصار خلافت در قریش (بر خلاف گفتمان رایج در میان اهل سنت) و در مواردی استفاده از تقیه دینی و اعتقاد به کافرشماری مرتکب گناه کبیره وجه اشتراک تمامی گروه‌های خارجی مذهب است. صاحبان این‌گونه اندیشه‌ها موفق شدند در سرزمین‌هایی که زمینه پذیرش این‌گونه افکار وجود داشت، دست به کار تبلیغ شوند. آنان به‌خصوص در نواحی دوردست و حاشیه‌ای جهان اسلام با بهره‌گیری از شیوه «دعوت» و با استفاده از ناخشنودی مردم این نواحی از والیان دستگاه خلافت توانستند در پایه‌گذاری حکومت‌های کوچک محلی توفیق‌هایی به دست آورند. بخش‌هایی از سرزمین وسیع شمال آفریقا نیز از اواخر قرن اول هجری دستخوش ناآرامی‌هایی شد که برانگیزندگان اصلی آن سرکردگان خوارج بودند. آنان سرانجام با زد و خوردهای شدید و پس از ده‌ها سال تلاش موفق شدند در بخش‌هایی از این سرزمین همچون شهر طرابلس غرب، شهر ساحلی طنجه، شهر نوبنیاد تاهرت و شهر تجاری و دور از دسترس سجلماسه در شمال غربی آفریقا قدرت‌های کم‌دوام ناحیه‌ای و در دو مورد (رستمیان و بنی‌مدرار) حکومت‌های پایدار اما کوچکی به وجود آورند. در جستار حاضر کوشیده‌ایم با تکیه بر داده‌های منابع، فرایند شکل‌گیری این نوع از حکومت‌ها را در آن فراز از تاریخ اسلام مورد بازکاوی و امعان نظر قرار دهیم.

در پایان، بر خود فرض می‌دانم از همه اساتید بزرگواری که این جانب را در امر پژوهش و تدوین و نگارش این اثر یاری دادند و پیشنهادهای ارزشمندی برای اصلاح ساختار آن مطرح ساختند، تشکر نمایم. به‌ویژه گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که سهم بزرگ و مؤثری در تشویق این جانب برای تکمیل پژوهش در این حوزه از تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام داشتند که از زحمات این عزیزان نیز سپاسگزاری می‌کنم.